

نویسندگان: 1- دکتر علیرضا مخبر دزفولی

(فارغ التحصیل دکترای حرفه ای پزشکی از دانشگاه جندیشاپور اهواز، دانشجوی دکترای روان شناسی  
عمومی دانشگاه لرستان خرم آباد ایران)

Dr.Alireza Mokhberdezfuli

(General practitioner , Phd student at General Psychology in Lorestan  
University, Khorramabad, Iran)

[Alireza\\_mokhberdezfuli@yahoo.com](mailto:Alireza_mokhberdezfuli@yahoo.com)

Mobile:09161187775

2: دکتر سیمین غلامرضایی

(استادیار گروه روان شناسی دانشگاه لرستان خرم آباد ایران)

Dr.simin gholamrezaei

(Assistant Professor in Lorestan University ,Khorramabad, Iran)

gholamrezaei\_s@yahoo.com

3- دکتر محمد علی سپهوندی

(استادیار گروه روان شناسی دانشگاه لرستان خرم آباد ایران)

Dr.Mohammadali Sepahvandi

(Assistant Professor in Lorestan University, Khorramabad, Iran)

masepahvandi@yahoo.com      mobile:09166617795

4: دکتر فیروزه غضنفری

(استادیار گروه روان شناسی دانشگاه لرستان خرم آباد ایران)

Dr.Firoozeh Ghazanfari

(Assistant Professor in Lorestan University ,Khorramabad,Iran)

Firoozeh.ghazanfari@yahoo.com

Mobil:09124054816

عنوان: بررسی تطبیقی دیدگاه های اسلام و علم روانشناسی در مورد تنبیه بدنی کودکان

:Title

A Comparative Study of Islam and Psychological Perspectives on corporal  
punishment of children

\*چکیده:

اگرچه بعضی از انواع تنبیه مثل محروم کردن موقت از بعضی اسباب بازی ها یا تفریحات محبوب و مورد علاقه کودک، جزو ابزارهای تربیتی در نظر گرفته می شود اما تقریباً در تمام مکاتب روان شناسی نوین، تنبیه بدنی خصوصاً شدید، جایگاهی ندارد و اتفاقاً به دلیل آثار سوء روانی و تربیتی نکوهش شده است.

دردین اسلام نیز به عنوان کامل ترین ادیان، در روایات متعددی، بزرگان دینی ما، والدین را از تنبیه بدنی فرزندان برحذر داشته و بر عوارض سوء آن تأکید کرده اند .

هدف از نگارش این مقاله نگاهی نسبتاً جامع به موضوع تنبیه بدنی و آثار سوء آن از نگاه علم روان شناسی و تعدادی از دانشمندان مبرز این رشته و نیز از نگاه دینی و تعدادی از بزرگان دینی است. منابع استفاده شده همگی از کتب معتبر در حوزه ی روان شناسی و اسلام می باشند.

#### Abstract:

This paper has attempted to provide a comprehensive look at the issue of corporal punishment and psychological effects of Perspectives on Psychological Science, and a number of accomplished scientists in the field & on islam ,and a number of religious leaders .

واژه های کلیدی : تنبیه بدنی، آثار سوء، دین اسلام، روان شناسی

#### Keywords:

Corporal Punishment,Bad Effects,Islam ,Psychology

#### \*مقدمه:

از جمله روش های تربیتی که در علوم مختلف مورد بررسی زیادی قرار گرفته و موجب ایجاد مباحثات مختلف و فراگیری در بین نخبگان و مراکز آموزشی کشورها ی مختلف شده و حتی در مورد آن سازمان های بین المللی به ارائه منشور پرداخته اند؛ تعیین حدود و میزان استفاده از تنبیه بدنی در تربیت کودکان

است. تنبیه یکی از روش‌هایی است که در موارد و موقعیت‌های معینی و با شرایط ویژه‌ای به عنوان یک روش حذف رفتار نامطلوب و یادگیری رفتار مطلوب، تجویز شده است. اما متأسفانه بکارگیری بی‌هدف و بی‌مهار و غالباً بدون نتیجه‌ی آن، این روش تربیتی را منفور جلوه‌گر کرده است. بدون تردید بکارگیری خشونت فیزیکی شدید نسبت به کودکان نه تنها هیچ آثار مفیدی در پی ندارد که در بردارنده‌ی آثار متعدد سوء در آینده‌ی روحی روانی و حتی جسمی کودک می‌تواند باشد.

در مورد ضرورت تنبیه و چگونگی و میزان تاثیر آن در اصلاح رفتار، آراء و نظریات مختلفی وجود دارد و تقریباً همه‌ی روان‌شناسان و متخصصان تعلیم و تربیت به اظهار نظر و بیان تجربیات و تحقیقات خود در این زمینه پرداخته‌اند. دین اسلام به عنوان کامل‌ترین ادیان و مکتب شیعه به عنوان معتبرترین نماد اسلام حقیقی نیز، چون سایر موضوعات مهم برای انسان و حفظ کرامت و سلامت روحی و جسمی او، به موضوع تنبیه بدنی اشارات و تصریحات متعددی دارد. شناخت دیدگاه دقیق و مستند اسلام در این زمینه می‌تواند قدمی بلند و ارزشمند در برگزیدن روش تربیتی صحیح و کاملی باشد و طی این مقاله کوشیده شده است تا حدودی به این مهم دست یازیده شود. آن‌چه در مکتب تربیتی اسلام موج می‌زند حفظ حرمت و منزلت و محبت به کودکان و کمترین استفاده از تنبیه بدنی در تربیت آنان است.

قله و نماد و نمود دیدگاه اسلام در خصوص کرامت انسان و ظرافت رفتار با کودک در سنت ما، که منبعث از رفتار پیامبر رحمت(ص) و اهل بیت طاهرین(ع) است به چشم می‌آید.

در رفتار حضرت ختمی مرتبت(ص)، احترام به کودک و حفظ کرامت او سنتی بی‌تغییر و مشهود است. پیامبر رحمت به کودکان، پیش از آنان سلام می‌کرد، آنان را می‌بوسید و می‌بوئید و در دامن خود می‌نشاند و می‌فرمود: از ما نیست کسی که کودکان را تکریم نکند. در روایات بی‌شماری از خاندان عصمت و شرافت به مهربانی با کودکان توصیه شده ایم و من نتوانستم روایتی بیابم که پیامبر عظیم الشان اسلام فرزندان یا نوادگان خود را تنبیه بدنی کرده باشند و این نکته به دلیل پیروی امامان معصوم ما از سنت پیامبر عظیم الشان اسلام در رفتار آنان با کودکان نیز تسری یافته است.

پیامبر گرامی اسلام گاهی در هنگام نماز جماعت و در پیشگاه جمع کثیری از اصحاب، سر از سجده بر نمی داشتند تا نوه های معصومش از دوش او برخیزند. کودکان را در آغوش می گرفتند و گاهی پیش می آمد که در همان حال به اقتضای کودکی در دامن منزه و قدسی فخر ملائک و دلیل خلقت، ادرار می کردند و پیامبر ما که قرآن کریم "رحمة للعالمینش" خوانده است، بی هیچ عصبانیتی، والدین سراسیمه ی آن کودک را توصیه به صبوری و آرامش می کرد ندو از عصبانیت با کودک برحذر می داشتند و این رفتار پیامبر به نحو غیرقابل وصفی در دیدگاه دیگران تاثیر می گذاشت و بدون شک یکی از دلایل ترویج سریع اسلام در جزیره العرب، همین محبت و حفظ کرامت انسان و خصوصا کودکان در رفتار خاتم الانبیاء (ص) بود. روزی رسول اعظم (ص) حسن و حسین (ع) را می بوسیدند، شخصی به نام عینه یا اقرع بن حابس خطاب به پیامبر عرض کرد: من 10 فرزند دارم و هرگز هیچ یک از آن ها را نبوسیده ام. پیامبر به او فرمودند: هر کس رحم نکند به او رحم نمی شود. برپایه ی روایتی آن حضرت به قدری از این گفتار وی خشمگین شد که چهره اش برافروخت و به او فرمود: اگر خدا عاطفه را از دلت کنده است با تو چه کنم؟ هر کس بر خردسالان ما مهر نورد و بزرگان ما را احترام نکند از ما (مسلمانان) نیست. (1)

و این در حالی است که تا سال هایی دور و گاهی نه چندان دور، جهان به اصطلاح متمدن، نظرات افراطی و تفریطی فراوانی در خصوص کودکان داشت.

در قرن شانزدهم عقیده ی پیوریتان ها<sup>1</sup> به گناهکاری ذاتی<sup>2</sup> به این دیدگاه منجر شد که کودکان به طور فطری شرور و لجوج هستند و برای رام کردن کودکان منحرف، روش کننده های فرزند پروری خشن و

---

<sup>1</sup> puritan:

original sin:2

محدود کننده ای توصیه شد اگرچه عطف و والدین مانعی در انجام رفتارهای بسیار سرکوبگرانه بود. (کلارک-استوارت، 1998)<sup>1</sup>

نوشته های جان لاک (1632-1704)<sup>2</sup> فیلسوف بریتانیایی پیش در آمد دیدگاه قرن بیستم یعنی رفتارگرایی بود. لاک، کودک را به عنوان لوح سفید<sup>3</sup> در نظر داشت. طبق این دیدگاه، کودکان در ابتدا چیزی نیستند و تجربه، شخصیت آن ها را شکل می دهد. (لاک-1892/1690) فلسفه ی او که طرفدار تربیت بود، باعث ترویج خشونت و تنبیه به محبت و دلسوزی نسبت به کودکان شد.

در قرن حاضر و در سال های نه چندان دور بسیاری از والدین، هر گاه اشتباهی از فرزندانشان یا رفتاری که از نظر آن ها درست نبود سر می زد تنها رویکرد تربیتی را در تنبیه بدنی او می دانستند، فارغ از این که تا چه اندازه این رویکرد، مؤثر یا بی تأثیر بوده است، بی هیچ تردیدی، گمان والدین این بوده است که دارند به تربیت کودک خود اقدام می کنند و احتمالاً با تنبیه بدنی به مقصود خود با سرعت بیشتری نائل می شوند. همین جا لازم است به این نکته اشاره شود که آیا ما به طور اساسی تعریفی از درست یا نادرست با توجه به سن و سال فرزند خود داشته ایم؟ شاید مثالی ساده بتواند بهتر موضوع را تبیین کند.

فکر کنید که شما ظرف عتیقه ای دارید که از نیاکان شما دست به دست به شما رسیده است و آن را با وسواس و دقت در بوفه ی خود در حال منزل به نمایش گذاشته اید و به آن می بالید و به همه ی میهمانان خاص خود، به عنوان نمادی از قدمت و هنر و والایی خانوادگی خود نشان می دهید.

فرزند دو ساله ی شما بی خبر از همه جا، لحظه ای در غیاب شما، آن را از بوفه خارج و به عنوان اسباب بازی استفاده کرده و شما آن ظرف ارزشمند را شکسته در دامن او می یابید چه کار می کنید؟! او را تنبیه می کنید؟!

---

<sup>1</sup> clark-stewart:

<sup>2</sup> john locke:

<sup>3</sup> tabula rasa:

آیا کودک دو ساله ی شما قادر است واژه ی عتیقه یا تمدن یا یادگار را بفهمد؟! بدون تردید خیر.

پس نکته مهم در این موضوع این است که ابتدا تعریفی درست، منطبق با سن کودک از درستی یا نادرستی کاری که انجام داده است داشته باشیم و این از نظر تربیتی نکته ای سزاوار توجه است.

گاهی ما تصور می کنیم که هر چه که ما فکر می کنیم درست است، یا به آن علاقه داریم، برای کودک هم درست انگاشته می شود، این در حالی است که نه تنها از نگاه کودک این ممکن است درست نباشد بلکه از نظر علمی هم می تواند درست نباشد.

هدف از بخشی از مطالبی که در این مقدمه به آن ها اشاره شد این بود که بگوئیم خوبی یا بدی باید با توجه به سن و فرهنگ و محیط و درک نگاه کودک به زندگی تعریف شود و از تعریف باید ها و نباید های غیر منطبق با شرایط و اقتضائات روحی و روانی مرتبط با سن کودک به شدت پرهیز شود. اکنون تصور کنید که چه عوارض غیر قابل جبرانی برای آینده ی او در میان خواهد آمد وقتی کودک علاوه بر محرومیت از بسیاری فعالیت ها و رویکردهای مورد علاقه اش، که کاملاً منطبق با سن و سال او است و به نحو ناصحیحی، به دلیل عدم درک شرایط سنی و روحی و شناختی توسط والدین، برای او وضع شده است در اثر عدم رعایت این مقررات، تنبیه بدنی را هم تحمل کند.

در این مقاله خواهیم کوشید تعارض تنبیه بدنی کودک با تربیت صحیح را از نگاه دین و علم روان شناسی بررسی کنیم و بعد از تعریف تنبیه به عوارض تنبیه بدنی از هر دو منظر گفته شده اشاره کنیم. امیدوارم این مقاله مورد استفاده و توجه واقع شود.

الف: تعریف تنبیه:

تنبیه، واژه ای عربی از باب «تفعیل» و از ماده «نَبَه» (2) است که در لغت نامه ها این گونه تعریف شده است: «نَه: النبه القیام و الانتباه من النوم، و قد نهبه و انبهه من النوم فتنبه و انتبه من نومه، استیقظ، و التنبه مثله»؛ برخاستن و بیدار شدن از خواب، بیدار شدن از خواب غفلت. تنبیه هم مانند نَه است؛ یعنی تنبیه هم از این

ماده است، و به معنای بیدار شدن از خواب غفلت است. وجه نام گذاری مجازات متریان خطاکار به تنبیه، به خاطر آن است که بدین وسیله، او را از خواب غفلت بیدار می کنند. در فرهنگ های فارسی برای تنبیه معانی مختلفی بیان شده است؛ از جمله: آگاه و بیدار کردن، واقف گردانیدن بر چیزی، مجازات کردن، گوشمالی دادن، سیاست کردن و چوب زدن.

دهخدا واژه «تربیت» را به «پروردن، آداب و اخلاق را به کسی آموختن، آموختن و پروردن کودک تا هنگام بالغ شدن» معنا کرده است. (3)

ب: تنبیه در اصطلاح

در اصطلاح، از تنبیه یا Punishment، تعاریف مختلفی شده است که به برخی از آن ها اشاره می گردد: آزرین<sup>1</sup> و هیلز<sup>2</sup> در تعریف تنبیه می گویند: «تنبیه کاهش دادن احتمال بروز آتی یک پاسخ است که در نتیجه ارائه ی محرکی پس از آن پاسخ حاصل می شود؛ محرک ارائه شده محرک تنبیه کننده و کل فرآیند تنبیه نام دارد.»

رینولدز<sup>3</sup> در تعریف تنبیه چنین می گوید: «تنبیه عبارت است از ارائه ی مشروط یک رویداد آزاردهنده یا حذف یک رویداد تقویت کننده. افزون بر آن، تنبیه شامل ارائه یک محرک آزارنده است که اغلب دردناک یا ناخوشایند است.» (4)

بر اساس این تعریف، یک محرک آزارنده بر حسب احساسات دردناک یا ناخوشایند تعریف نمی شود، بلکه بر اساس تغییری که در رفتار ایجاد می کند تعریف می شود. یک محرک آزارنده، محرکی است که ارائه مشروط آن، احتمال بعدی رفتار را کاهش می دهد.

---

Azrin:<sup>1</sup>

Hilz:<sup>2</sup>

Reynolds:<sup>3</sup>



گاتری می گوید: «تنبيه به وسيله آن چه که ارگانيسم تنبيه شده را به انجام آن وامی دارد تعريف می گردد. تنبيه نه به علت ناراحتی که تولید می کند، بلکه به سبب این که نحوه ی پاسخ دهی فرد به محرک های معین را تغییر می دهد، مؤثر است. تنبيه در صورتی مؤثر است که پاسخ تازه ای را به محرک های قدیمی ایجاد کند. تنبيه به این علت در تغییر دادن عادت نامطلوب مؤثر است که رفتار ناهمساز با رفتار تنبيه شده را ایجاد می کند.» (5)

ریموند میلتن برگر<sup>1</sup> می گوید: «تنبيه يک اصل رفتاری است. زمانی که رفتار با پیامدی که منجر به کاهش در احتمال بعدی رفتار می گردد دنبال شود، تنبيه اتفاق می افتد. پیامد پیرو رفتار ممکن است شامل ارائه رویداد محرک (تنبيه مثبت) یا رویداد محرک (تنبيه منفي) شود.»

امانوئل کانت<sup>2</sup>: کانت تنبيه را به دو نوع تقسیم می کند: تنبيه طبیعی و تنبيه مصنوعی.

وی در توضیح این دو می گوید: «نافرمانی همیشه تنبيه را به دنبال دارد. تنبيه دو قسم دارد: اول. تنبيهی است که در واقع، طبیعی است که آدمی با رفتار خودش موجب می گردد؛ مثل اینکه کودکی از پرخوری مریض شود. این تنبيه، بهترین تنبيه است؛ زیرا آدمی نه تنها در کودکی، بلکه در سراسر زندگی در معرض آن قرار دارد.»

دوم. تنبيه مصنوعی است. با ملاحظه علاقه کودک به محبوبیت و مورد احترام واقع شدن، تنبيه بدنی باید به گونه ای انتخاب شود که تأثیری پایدار بر منش کودک بگذارد.» (6)

\*تنبيه و عوارض آن از دیدگاه روان شناسی

معمولاً روان شناسان، تنبيه و خصوصاً تنبيه بدنی را جایز نمی دانند و بر بی تاثیر بودن و مضرات جانبی آن برای وضعیت روانی و جسمانی حال و آینده ی کودک تأکید دارند اگرچه در بسیاری از کتب مرتبط با

---

<sup>1</sup>Miltenberger, Raymond:

<sup>2</sup>Immanuel Kant:

علوم رفتاری بر تنبیه با رعایت تناسب آن با میزان خطای کودک و نه به عنوان اولویت اول اشاره شده است.

به عنوان مثال اسکینر و ثراندایک<sup>1</sup> بر اثربخشی مشروط تنبیه اتفاق نظر دارند: تنبیه احتمال پاسخ را کاهش نمی‌دهد. اگر چه تنبیه سبب بازداری یا واپس زدن پاسخ می‌شود، ولی تازمانی که تنبیه به کار می‌رود، عادت ضعیف نمی‌گردد. (7)

گاتری<sup>2</sup> که یک روان‌شناس رفتارگرا است معتقد است: کارآمدی تنبیه به وسیله آن چه که تنبیه، ارگانسیم تنبیه شده را به انجام آن وا می‌دارد، تعیین می‌گردد. تنبیه نه به علت رنجی که در پی دارد، بلکه به سبب این که نحوه ی پاسخدهی فرد به محرک‌های معین را تغییر می‌دهد، مؤثر است. تنبیه تنها در صورتی مؤثر است که پاسخ تازه‌ای را به محرک‌های قدیمی ایجاد کند. به طور خلاصه، گاتری معتقد است (8):

1. آن چه درباره تنبیه مهم است، عملی است که ارگانسیم در نتیجه تنبیه انجام می‌دهد، نه احساسی که بر اثر تنبیه در او بوجود می‌آید.

2. برای این که تنبیه مؤثر افتد، باید رفتاری را ایجاد کند که با رفتار تنبیه شده ناهم‌ساز است.

3. برای این که تنبیه مؤثر افتد، باید در حضور محرک‌هایی که رفتار تنبیه شده را فرا می‌خواند اعمال گردد.

4. اگر شرایط موجود در بندهای 2 و 3 بالا رعایت نشود، تنبیه نامؤثر خواهد بود حتی ممکن است پاسخ نامطلوب را قوی‌تر سازد.

---

<sup>1</sup> Skinner&Thorndik:

<sup>2</sup> Guthrie:

جان لیونز<sup>۱</sup> و همکاران می‌گویند: بسیاری از مطالعات بیان‌گر تأثیر تنبیه بر رفتار هستند. یافته‌ها می‌گویند: میزان تأثیر تنبیه در حذف رفتار نامطلوب به مؤلفه‌های زیر وابسته است:

الف) شدت، مدت و فراوانی پیامدهای ناخوشایند تنبیه؛

ب) فاصله‌های زمانی اجرای تنبیه؛

ج) شدت رفتاری که به خاطر آن تنبیه صورت می‌گیرد؛

د) وجود پاسخ‌های جایگزین؛

ه) محدوده‌ای که در آن رفتار متضاد با رفتاری که باعث تنبیه شده یا رفتار مطلوب پاداش داده می‌شود.

موریس<sup>۲</sup> در زمینه اصلاح رفتار کودکان معتقد است: درست همان‌طور که با پاداش دادن به کودک در هر زمان که رفتار مطلوب را انجام می‌دهد، می‌توان آن رفتار را نیرومند کرد، با پاداش ندادن قاطعانه به کودک هنگام اجرای رفتار نامطلوب نیز می‌توان این رفتار را در او کاهش داد..... به هر حال، در مواقع نادری از تنبیه بدنی (مثل یک سیلی دردناک و یا یک فریاد)، باید استفاده شود. (9)

رونالدز ایلینگورث<sup>۳</sup> نیز به نکته‌ی جالبی اشاره می‌کند:

بسیاری از والدین بر این باورند که تنبیه بدنی نادرست و نامطلوب است و به جای آن اغلب از تنبیه ذهنی و روانی، که به مراتب خطرناک‌تر است، استفاده می‌کنند!!

---

Lyons, john: <sup>1</sup>

muris: <sup>2</sup>

Eilnegoreth,R.O: <sup>3</sup>

باید توجه کرد که چه در خانه و چه در مدرسه، سلاح تمسخر و تحقیر کودک، نه تنها بر اصلاح عملکرد او تاثیر ندارد که نتیجه‌ای جز این که کودک را غمگین و دچار ناامنی سازد نخواهد داشت.

در مورد کودکان سنین پیش از دبستان، که به اندازه ی کافی می‌فهمند، زدن ضربه های آرام به پشت آن ها، بدون خطر است. همین تنبیه نیز پس از آن سن، غالباً غیر ضروری و نامطلوب است. به هر حال، باید توجه داشت که تنبیه بدنی به هیچ عنوان نباید آسیب برساند. همچنین کودک نباید در حضور برادران و خواهران و دوستان خود تنبیه بدنی شود. نکته دیگر آن است که چنان چه بنا بر ضرورت تنبیه صورت گرفت، پس از آن دیگر نباید با او حرف زد. (10)

مجددا در این جا لازم است بر ویران گر بودن تنبیهات روانی و پرهیز از آن ها تأکید شود.

در کتاب تغییر رفتار و رفتاردرمانی دکتر سیف می نویسد:

روش تنبیه، خشن ترین و نامطلوب ترین روش تغییر رفتار است. استفاده ی غیرمسئولانه از آن، عوارض جانبی نامطلوب به بار می آورد، هرگز نباید به صورت یک روش تربیتی از آن استفاده شود. تنها زمانی که رفتار نامطلوب برای صاحب رفتار یا کسان دیگر تهدید کننده سلامتی است، باید به کار گرفته شود، آن هم به صورت موقتی تا این که فرصت استفاده از روش های دیگر فراهم گردد. (11)

\*آثار سوء تنبیه از دیدگاه برخی روان شناسان:

هم چنان که قبلا ذکر شد امکان نقل نظرات کلیه ی روان شناسان بدلیل پرهیز از طولانی تر شدن این مقاله ممکن نیست ولی به نکات کاربردی که در برخی نظرات روان شناسان خارجی و ایرانی وجود دارد اشاره می شود.

"اسکینر" در مورد ردّ تنبیه بدنی استدلال های متعدد زیر را مطرح کرده است که نکاتی قابل تأمل به نظر می رسند:

1- ارگانسیم که تنبیه می‌شود، می‌ترسد و این ترس به محرک‌های مختلفی که هنگام تنبیه شدن او حضور دارند، گسترش می‌یابد.

2. تنبیه به ارگانسیم نشان می‌دهد که چه کاری را نباید انجام دهد و به او نمی‌آموزاند که چه کاری را باید انجام دهد. در مقایسه با تقویت، تنبیه هیچ اطلاعاتی در اختیار ارگانسیم نمی‌گذارد.

3. تنبیه صدمه زدن به دیگران را توجیه می‌کند. این البته در مورد کودکان بیشتر صادق است. وقتی که کودکان تنبیه می‌شوند، تنها چیزی که می‌آموزند این است که در بعضی موقعیت‌ها صدمه زدن به دیگران اشکالی ندارد.

4. کودک با قرار گرفتن در موقعیتی که به خاطر آن تنبیه شده، بدون حضور تنبیه و تنبیه کننده، ممکن است ترغیب به انجام آن رفتار شود. بنابراین، در غیاب عوامل تنبیه کننده، ممکن است کودکان فحش بدهند، شیشه بشکنند، با بزرگ‌ترها بی ادبانه رفتار کنند، به بچه‌های کوچک تر آزار برسانند. این کودکان آموخته‌اند که در حضور عوامل تنبیه کننده، این رفتارها را واپس بزنند، اما دلیلی نمی‌بینند که در غیاب عوامل تنبیه کننده این رفتار را انجام ندهند.

5. تنبیه در شخص تنبیه شده نسبت به عامل تنبیه کننده و دیگران پرخاشگری ایجاد می‌کند. تنبیه در شخص تنبیه شده پرخاشگری ایجاد می‌کند. این پرخاشگری ممکن است موجب مشکلات دیگری شود. برای نمونه، مؤسسات کیفی جامعه، که تنبیه را به عنوان وسیله اصلی به کار می‌برند، سرشار از افراد بسیار پرخاشگر هستند، و مادام که تنبیه یا تهدید تنبیه برای کنترل رفتار آنان به کار می‌رود، همچنان پرخاشگری باقی خواهند ماند.

6. تنبیه اغلب یک پاسخ نامطلوب را جانشین پاسخ نامطلوب دیگر می‌سازد. برای نمونه، کودکی که به سبب ریخت و پاش تنبیه می‌شود، به جانشینی آن به بچه‌ای که زیاد گریه می‌کند تبدیل می‌شود.

7. مشکل دیگر استفاده از تنبیه کردن این است که تنبیه کرن عملی است که به سرعت توسط دیگران به کودکان و نوجوانان آموخته می‌شود. تحقیقات "بندورا و والتر"<sup>1</sup> نشان داده است، کسانی که شاهد تنبیه شدن افراد توسط دیگران بوده‌اند در موقعیت های دیگری، خود دیگران را مورد تنبیه قرار داده‌اند.

8. یکی دیگر از پیامدهای نامطلوب تنبیه این است که فرد تنبیه شده برای فرار از تنبیه، ممکن است دیگر به کار مورد نظر دست نزند ولی کار دیگری را به عنوان جانشین انجام دهد.

به عنوان نمونه ی دوم نظرات دکتر عبدالله مجوزی در کتاب "چرا تنبیه ؟" (12) در خصوص عوارض تنبیه بدنی در این بخش نقل می‌شود:

1- کودک عادت می‌کند در برابر زور و قلدری بدون چون و چرا تسلیم شود و با این منطق خو بگیرد که زور قلدری پیروز است. هر وقت عصبانی شدی زن، و باکی نداشته باش.

2- تنبیه بدنی احیاناً ممکن است در کودک عقده ای نسبت به اولیاء و مربیان ایجاد کند و حالت طغیان و سرکشی را در برابر اولیاء در او برانگیزد.

3- کودک را ترسو می‌کند. بوسیله کتک شخصیت کودک درهم شکسته می‌شود و تعادل روحی او بر هم می‌خورد و احتمالاً به بیماری روانی مبتلا گردد.

4- تنبیه بدنی، بچه‌ها را دروغگو بار می‌آورد.

5- تنبیه بدنی، بچه‌ها را به حيله گری و ریاکاری سوق می‌دهد.

6- تنبیه بدنی، برای بچه‌ها رنج و تحقیر به بار می‌آورد.

7- تنبیه بدنی، در کودک افسردگی و بیماریهای عصبی ایجاد می‌کند.

---

<sup>1</sup> bandura&valtera:

- 8- تنبیه بدنی ، کودک را به سمت خود آزاری می کشاند.
- 9- تنبیه بدنی ، کودک را به سوی دیگر آزاری می کشاند.
- 10- تنبیه بدنی ، کودک را به لجبازی وا می دارد.
- 11- تنبیه بدنی ، کودک را گوشه گیر می کند.
- 12- تنبیه بدنی ، کودک را کند ذهن می کند.
- 13- تنبیه بدنی ، کودک را بی اراده و نسبت به دیگران بی تفاوت می کند.
- 14- تنبیه بدنی ، اطمینان و اعتماد به نفس را در بچه ها از بین می برد.
- 15- تنبیه بدنی ، حس کنجکاوی و ابتکار عمل را در بچه ها می کشد.
- 16- تنبیه بدنی ، کودک را کینه توز می کند.
- 17- تنبیه بدنی ، احترام و اعتماد کودک را نسبت به بزرگترها سلب می کند.
- 18- تنبیه بدنی ، کودک را دچار یأس و حرمان می کند.
- 19- تنبیه بدنی ، کودک را عاصی بار می آورد.
- 20- تنبیه بدنی ، اضطراب دائم را در کودک دامن می زند.
- 21- تنبیه بدنی ، در کودک سرپیچی و بی اعتنائی را همراه می آورد.
- 22- تنبیه بدنی ، بچه ها را اندوهگین و محزون می کند.
- 23- تنبیه بدنی ، شادیها را در کودک سرکوب می کند.

24- تنبیه بدنی، شهادت و غرور بچه ها را از بین می برد.

25- تنبیه بدنی، نهایتاً به سلامت روحی و جسمی طفل ضربه می زند.

توماس، بکر و آرمسترانگ<sup>1</sup> در سال 1968 در مورد تأثیر تنبیه مطالعاتی انجام دادند که به نوعی می تواند جمع بندی این بخش از مقاله در خصوص اثرات تنبیه بر تربیت باشد.

چکیده ی مطالعات آن ها نشان داد که تنبیه در واقع رفتار بد را تقویت می کند همچنین اولری و بکر<sup>2</sup> در سال 1969 در مورد تأثیر تنبیه تحقیقاتی نمودند و مشاهده کردند که توبیخ و تنبیه ملایم موثر تر از توبیخ و تنبیه شدید است. (بدری مقدم، 74) (13)

این مبحث را نمی توان بیش از این طولانی کرد لذا بحث آثار سوء تنبیه از نظر روان شناسان را رها و به همین مقدار بیان نظرات اکتفاء می کنیم و به سراغ مبحث تنبیه بدنی از نظر روایات مستند اسلامی می رویم.

\*تنبیه بدنی در مکتب حیات بخش اسلام

یکی از ادله ی منابع فقه شیعه که مورد قبول کلیه ی فرق و مذاهب اسلامی است، "سنت" نام دارد. سنت از نظر لغوی، به معنی روش و طریقه است و از نظر اصطلاحی عبارتست از گفتار، کردار و تقریر معصومین سلام الله علیهم اجمعین.

آن چه که از روایات متعدد و مستند اسلامی به دست می آید تقدم محسوس و مؤکد محبت و مودت و شفقت در تربیت کودک، بر خشونت و برخورد فیزیکی است. هم چنان که قبلاً ذکر گردید در کتب روایی، نگارنده ی این سطور، نتوانست روایت معتبری مبنی بر تنبیه شدید بدنی فرزندان توسط پیامبر گرامی

---

<sup>1</sup> tumas,baker,armstrong:

<sup>2</sup> uleri&baker:



اسلام (ص) و ائمه ی معصومین سلام الله علیهم اجمعین به دست آورد ولی الی ماشاء الله روایت در خصوص تکریم کودکان و محبت به آنان وجود دارد. بانوی بزرگ جهان اسلام صدیقه ی طاهره (س) در خطاب به فرزندان معصوم خود از واژه هایی چون « قُرَّةَ عینی » نور دیده ام ، « ثمره فؤادی » میوه ی دلم استفاده می کردند. در هر حال در این مبحث به چند عنوان و مصادیق آن ها اشاره می شود.

#### 1: اساس تربیت دینی محبت و احترام به کودک

در روایات اسلامی محبت به کودک به صورت های مختلف توصیه شده و اولیای اسلام به پیروان خود در این باره سفارش های مؤکدی نموده اند که نمونه ای از آن بدین شرح است :

رسول اکرم ( ص ) ضمن خطبه ای در بیان وظایف مردم در ماه رمضان فرموده اند : « وَ قَرُوا كِبَارَكُمْ وَارْحَمُوا صِغَارَكُمْ » به بزرگسالان خود احترام کنید و نسبت به کودکان خویش ترحم و عطف و عطوفت نمایند(14)

« قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ : لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَرْحَمْ صَغِيرَنَا وَ لَمْ يُوقِرْ كَبِيرَنَا » پیامبر اکرم فرمود : کسی که به کودکان مسلمین رحمت و محبت نکند و بزرگسالان را احترام ننماید از ما نیست . (15)

« قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ : أَحَبُّوا الصِّبْيَانَ وَ ارْحَمُوهُمْ » رسول اکرم ( ص ) فرمود : کودکان را دوست بدارید و نسبت به آنان رئوف و مهربان باشید . (16)

« وَ كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ إِذَا أَصْبَحَ مَسَّحَ عَلَى رُؤُسِ وُلْدِهِ » روش رسول اکرم ( ص ) در خانواده این بود که همه روزه صبح دست محبت به سر فرزندان خود می کشید . (17)

« عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَيَرْحَمُ الرَّجُلَ لِشِدَّةِ حُبِّهِ لَوْلَدِهِ... » امام صادق ( ع ) می فرماید : مردی که نسبت به فرزندان خود محبت بسیار دارد مشمول رحمت و عنایت مخصوص خداوند بزرگ است (18)

« قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَكْثَرُوا مِنْ قَبْلَهُ أَوْلَادِكُمْ فَإِنَّ لَكُمْ بِكُلِّ قَبْلَةٍ دَرَجَةٌ » پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود: فرزندان خود را بسیار بوسید زیرا برای شما در هر بوسیدن درجه ای است. (19)

2: تنبیه بدنی آخرین راهکار تربیتی نه اولین راهکار (استفاده از روش های جایگزین)

نکته ی بسیار جالبی که در روایات اسلامی در خصوص تنبیه بدنی منعکس شده است، خود یکی از ادله ای است که نشان می دهد دین اسلام و مکتب شیعه کامل ترین ادیان است. بیش از 1400 سال قبل در روایات ما در این خصوص نکاتی ذکر گردیده است که بعد از 14 قرن آزمون و خطا، روان شناسی جدید به آن ها اشاره کرده و بر صحت آن ها گواهی می دهد.

از دیدگاه ائمه ما سلام الله علیهم اجمعین تنبیه انواع مختلفی دارد که تنها در «کتک زدن» خلاصه نمی گردد: قطع رابطه، قهر موقت، جدا کردن کودک از آن چه مورد علاقه ی اوست، توبیخ و تهدید، بی مهری موقت و هدفمند نسبت به او، از آن جمله هستند که در بسیاری از روایات به آن ها اشاره گردیده است. (20)

رسول اکرم (ص): لا تضربه واهجره و لا تطل ؛

کودک را نزن، بلکه با او قهر کن ولی نه به مدت طولانی.

جالب است که در کتب معتبر روایی شیعی عین این عبارات بر زبان مبارک حضرت امیرالمومنین علی ابن ابیطالب (ع) هم جاری شده است و امام هادی (ع) نیز در روایت مشابهی می فرمایند: کودک را مزین، از او قهر کن، ولی قهر خود را طولانی نکن.

3: توضیح، تبیین، تهدید قبل از تنبیه

امام صادق (ع) می فرماید: حق تنبیه در جایی است که مربی نسبت به موضوع مورد نظر با شخص تحت تربیت خود سخن گفته و او را کاملاً توجیه کرده باشد ولی درباره کاری که امر و نهی قبلی در خصوص در خصوص آن صادر نشده و ناآگاهانه از او سر زده است چنین حقی وجود ندارد. (21)

بدینسان اگر کودک آشنا باشد و از کیفر مسامحه و نافرمانی خود آگاه باشد تاثیر تنبیه واضح خواهد بود، در غیر این صورت ممکن است او خود را مستحق تنبیه ندانسته و آن را در حق خود ظالمانه انگارد که در این صورت تنبیه نه تنها اثر مطلوبی نخواهد داشت بلکه بر عکس نتیجه خواهد بخشید

#### 4: تغافل، عفو و سپس تنبیه متناسب با خطا

بر اساس روایتی دیگر از امام صادق(ع) مری باید قبل از «تنبیه» در موضوعی خاص،

یکی دو بار عفو و تهدید کرده باشد و اگر بعد از آن باز از او خلاف صادر شد، آن گاه به تنبیه اقدام نمایند. (22).

امیرالمؤمنین علی(ع) خطاب به فرزند بزرگوار و معصومشان امام حسن مجتبی(ع) می فرمایند: پس اگر یکی از شما مرتکب خطایی شد، عفو و تغافل همراه با توازن و به تناسب خطا، از تنبیه و زدن فرد - البته برای کسی که عاقل است - بهتر و برتر است. (23)

حضرت رسول اکرم(ص) در روایت اسد بن وداعه پس از آن که سه مرتبه از تنبیه نهی کرد ند، فرمودند: اگر تنبیه کردی به اندازه ی گناه تنبیه کن. (24)

#### 5: بدون خشم و غضب و در حد تحمل کودک

از تنبیه در حال غضب باید اجتناب کرد چرا که پیامبر اکرم(ص) و امیرالمؤمنین(ع) از ادب کردن در حال غضب نهی کرده اند. (25)

حضرت علی(ع) فرمود: لا ادب مع غضب (26) (در حال غضب تنبیه مکن)

. نباید کودک را به خاطر تشفی خاطر خود، تنبیه کرد بلکه همواره باید اصلاح رفتار و صلاح کودک مد نظر باشد. در این زمینه روایت مفصلی از امیرالمؤمنین علی(ع) خطاب به عمر بن عبدالعزیز است که به همین نکته اش اکتفاء می شود که تنبیه به خاطر تشفی خود را برخلاف عدالت دانسته اند، در حالی که با

کمال تاسف مشاهده می گردد، ضربات وارده بر کودک توسط والدین و گاهی مریمان بیش از آن که برای اصلاح رفتار او باشد، برای فرونشاندن خشم خود است !!

مجری تنبیه باید بر خود مسلط باشد زیرا تنبیه در حالت غضب باعث می شود طفل آن را ظالمانه و کینه جوئی تلقی کند و آن را نتیجه ی طبیعی عمل خود نداند و لذا والدین هم چنان که قبلا ذکر شد باید علت کتک زدن را برای فرزند توضیح دهند و این کار را بصورت خیرخواهی انجام دهند و کودک نیز به سوی این برداشت سوق داده شود.

#### 6: حفظ مراتب شدت در تنبیه

در تنبیه باید مراحل و مراتب آن را رعایت کرد و باید از مرحله ی ضعیف شروع کرد چرا که شاید با اجرای مرحله ای ضعیف از تنبیه، مثلاً یک تغییر چهره و اخم به کودک، او به اشتباه خود پی ببرد و اصلاح شود که در این صورت دیگر نیازی به تنبیه بدنی نخواهد بود.

در این بخش هم به همین مقدار ذکر روایات اکتفاء و به سراغ نظر علمای بزرگ شیعه در خصوص تنبیه بدنی می رویم. با این توضیحات که کلیه ی این احکام، یا از رساله های توضیح المسائل این بزرگواران و یا از سایت های رسمی استفتاء آنان استخراج شده است.

\* حکم علمای بزرگ شیعه در مورد تنبیه:

با توجه به آن چه که از برخی روان شناسان نقل شد، در روان شناسی جدید نیز تنبیه بدنی به کلی مطرود و ممنوع نیست، بلکه در مواردی آن را جایز و حتی لازم می دانند.

علمای بزرگ شیعه هم ضمن در اولویت قرار دادن داشتن رابطه ی توأم با احترام و ادب و محبت با کودکان و در اولویت نبودن تنبیه بدنی در تربیت کودک، در مواردی خاص، تنبیه بدنی خفیف به نحوی که برای کودک عارضه ی جسمی و روحی در پی نداشته باشد را با اجازه ی والدین او منع نکرده اند ضمن این که تمام علماء بزرگ شیعه به اتفاق، تنبیه بدنی کودک به نحوی که حتی باعث کبودی مختصر

در محل تنبیه شود را مستلزم پرداخت دیه دانسته اند که نشان دهنده ی اهمیت سلامت جسمی و روحی کودک در احکام اسلامی است. به عنوان نمونه به چند مورد در ذیل اشاره می شود:

سؤال: اگر شخصی فرزند خردسال خود را بزند، به نحوی که تا چند دقیقه جای آن سرخ شود، آیا واجب است دیه دهد؟ اگر جای آن سرخی پایدار یا کبود شود چطور؟ و آن را به چه کسی باید داد؟

جواب آیت الله العظمی سیستانی:

تنبیه بدنی جایز نیست مگر این که تادیبی که لازم است متوقف بر آن باشد و در این صورت پدر یا کسی که از سوی او مجاز است میتواند به نحوی که موجب سرخ یا کبود شدن نباشد کودک را بزند ولی به احتیاط واجب نباید از سه ضربه سبک تجاوز کند و به هر حال اگر موجب سرخی یا کبودی شد دیه دارد حتی اگر از سوی پدر باشد و به احتیاط واجب زدن به هر نحو باشد پس از سن بلوغ جایز نیست. و اگر حاکم شرع تشخیص دهد که پدر و مادر از نظر حفظ سلامتی کودک مورد اطمینان نیستند می تواند آن ها را از حق حضانت و سرپرستی کودک محروم کند. (27)

جواب آیه الله العظمی اراکی: هرگاه تأدیب طفل متوقف باشد بر ضرب، جائز است ولی باید سرخ و کبود نشود. (28)

جواب آیه الله العظمی بروجردی: اگرچه یکی از گناهان کبیره را انجام دهد، والدین یا معلم او می توانند به قدری که ادب شود و دیه واجب نشود او را بزند. (29)

جواب آیه الله العظمی گلپایگانی: اگرچه یکی از گناهان کبیره را انجام دهد، والدین یا دیگران با اجازه والدین او به قدری که ادب شود و دیه وارد نشود او را بزند. (30)

\*نتیجه گیری:

1: آن چه در این مقاله به نحو محسوسی جلب نظر می کند همراهی دستاوردهای علم روان شناسی با آموزه های اصیل و مستند دین مبین اسلام است. اگرچه تا حد نسبتاً زیادی تفرق در آراء دانشمندان علم روان

شناسی به چشم می خورد ولی نظر غالب در بین آن ها با نظر متفق و منسجم بزرگان دینی ما در خصوص تنبیه بدنی نسبت آشکاری دارد.

2: در تأثیر تنبیه با رعایت شرایط لازم در تغییر رفتار نامطلوب به عنوان یکی از راهکارهای تربیتی اسلام و علم روان شناسی متفقند هم چنان که روان شناسی نوین و اسلام بر حفظ کرامت و نقش محوری محبت و شفقت در مواجهه با فرزندان و کودکان در عین ترسیم واضح و تبیین شده ی مقررات فردی و اجتماعی برای او و نقش تشویق و تنبیه مشروط تأکید می کنند.

3: در استفاده از روش های جایگزین و در اولویت اول نبودن تنبیه بدنی، تناسب تنبیه با خطا، رعایت خفیف بودن و بی ضرر بودن تنبیه بر جسم و روان کودک، نزدیکی تنبیه به ارتکاب خطا، توضیح و تبیین پیش از تنبیه و آگاهی کامل کودک از خطا، عدم خشونت و عصبانیت تنبیه کننده هنگام تنبیه،... هم روان شناسان و هم بزرگان دینی توصیه های مشابهی دارند.

4: هم دانشمندان علم روان شناسی و هم اسوه های دینی ما بر مضرات متعدد تنبیه شدید بدنی و عدم رعایت شرایط لازم برای تنبیه و تکرار تنبیه، بر جسم و روح و حال و آینده ی کودک در ابعاد مختلف اجتماعی، تحصیلی و شغلی، تأکید دارند.

#### پیشنهادات:

به عنوان حسن ختام این مقاله چند پیشنهاد ارائه می گردد و امید است متن این مقاله و راهکارهای ارائه شده در آن به کاهش خشونت علیه کودکان منجر شود:

1: برای معلمان و مربیان و والدین کودکان خصوصا در دوره ی پیش دبستان و دبستان دوره های تربیتی مبتنی بر آموزه های فاخر دینی و علمی برگزار گردد تا هم با علوم تربیتی و هم دینی آشنائی بیشتری حاصل شود.

2: نه تنها مسلمانان بلکه با ترویج صحیح و امروزی تعالیم اسلام و رفتارهای بزرگان دینی ما و خصوصاً وجود نازنین پیامبر اکرم (ص) مبتنی بر حفظ کرامت و شخصیت کودک همه ی جهانیان این رفتارها را الگوی خود قرار داده و در عین حال به معرفی چهره ی تابناک اسلام در جهان معاصر پردازیم .

3: نهادهای حمایتی و مددکاری مانند پلیس اطفال و اختصاص قضات و شعب خاص به رسیدگی فوری به موارد خشونت با کودکان راه اندازی و تقویت شود.

4: مشاوره های پیش از ازدواج ، همسررداری ، تعلیم و تربیت ، اشتغال، مهارت های زندگی و مهارت های ارتباطی از طریق راه اندازی مراکز مشاوره با تعرفه های پائین، با حمایت دولت ارائه گردد.

5: با توجه به تأکیدات مقام معظم رهبری بر سبک زندگی اسلامی ایرانی الگوی یک خانواده ی مسلمان ایرانی در ابعاد مختلف و با تکیه بر آئین های ارزشمند ملی و آموزه های اصیل دینی تعریف شود و شاید یکی از بهترین منابع در این خصوص کتاب ارزشمند مفاتیح الحیوة حضرت آیت الله جوادی آملی باشد.

6: مبارزه فرهنگی با مواد مخدر، مواد روان گردان و مشروبات الکلی ترویج و تقویت شود.

7: به اوقات فراغت فرزندان و حتی والدین اهمیت داده شود و ابزارهای تشویقی در حوزه ی اجتماعی بدین منظور تعیین شود.

8: با تنظیم دقیق روابط همراه با عطف و در عین حال تبیین مرزهای داخلی خانواده و نیز مرزهای اجتماعی به نظرات کودکان خود اهمیت دهیم و نقش آن ها را به رسمیت بشناسیم.

#### \*references:

1: "Mafatih Alhayat", Allameh Javadi Amoli, Behar al- Anvar, Allameh Majlesi, Volume 43, Page Number 282

2: "Lesan al-Arab", Volume 14, Page number: 28

- 3: "Dekhoda Dictionary", Volume 14, Page Number: 550
- 4: "Behavior Change, Rimond Milton Berger, Translation: Fathi Ashianit & Azimi, Page Number: 151
- 5: "An Introduction to Theories of Learning", B.R. Hergenhahn and Matthew Olson, Translation: Ali Akbar Saif, Page Number 254
- 6: "Philosophical Foundation of Education", Heward Orman & Samuel Kramer, Translation: Gholamreza Motaghifar, Page number 77
- 7: "Educational Psychology", Volume 4, Page Number 277
- 8: The Same Source
- 9: "Behaviour Modification With Children", Page Number 73
- 10: "Educational Psychology (Principles and Applications), Roger H. Bruning, John A. Glover, Translation Alinaghi Kharrazi, Page Number 287
- 11: "Behaviour Modification and Behavior Therapy", Aliakbar Saif, Page Number 391
- 12: "Why Punishment", Majuzi Abdollah, Page number 110
- 13: "Application of Psychology in the institution, Moghaddam Badri
- 14: "Uyun Akhbar Al-Reza", Page Number 163
- 15: "Behar Al-Anvar", Volume 16, Page Number 154
- 16: "Vasael Al-shieh", Volume 5, Page Number 126, Al-Hadis, Morteza Farid, Volume 3, Page Number 59
- 17: "Behar Al-Anvar", Volume 23, Page Number 114
- 18: "Al-Hadis", Morteza Farid, Volume 3, Page Number 59



- 19: "Behar Al-Anvar", Volume 23, Page Number 113
- 20: "Vasael Al-shieh", Volume 11, Chapter 6&7
- 21: Vasael Al-shieh, Volume 18, Page Number 582"
- 22: "The Same Source", Page Number 522
- 23: "Behar Al-Anvar", Page Number 218
- 24: "Majma Al-Zavaed and Manba Al-Favaed, Almeysami Hafez, Volume 8, Page number 106: "Nahj Al-Balagheh, Imam Ali, Letter Number 53,
- 25: : "Behar Al-Anvar", Volume 79, Page Number 102, "Ghorar Al-hekam, Volume 2, Page Number 833
- 26: "Ghorar Al-hekam", Volume 2, Page Number 303
- 27: "Tozih Al-Masael", Ayatollah Sistan
- 28: "Tozih Al-Masael", Ayatollah Araki
- 29: "Tozih Al-Masael", Ayatollah Boroujerdi
- 30: : "Tozih Al-Masael", Ayatollah Golpayegani